

شرط کارآمدی مجلس

چطور می توان از مجلس مطالبه گری کرد؟

دکتر مجتبی مقصودی

دانشیار علوم سیاسی و عضو سابق دفتر مطالعات سیاسی مرکز پژوهش های مجلس

۱

«مطالبه گری از مجلس چگونه باید باشد؟» این پرسشی است که شاید این روزها که به ایام انتخابات مجلس نزدیک می شویم ذهن بسیاری از تحلیلگران اجتماعی را به خود مشغول کرده باشد. واقعیت این است که «مطالبه گری از مجلس» ربط و نسبت وثیقی با عنصر «نمایندگی» پیدا می کند؛ یعنی تا زمانی که نمایندگان ما نتوانند نقش نمایندگی را ایفا کنند عملاً مطالبه گری از مجلس محقق نمی شود.

وقتی از مسئولیت های مجلس سخن به میان می آید، اغلب بر دو بعد «قانونگذاری» و گاهی وظیفه «نظارتی» آن تأکید می شود؛ غافل از اینکه در کنار «قانونگذاری» و «نظارت»، عنصر «نمایندگی» را نباید فراموش کرد. به نظر می رسد که این عنصر در جامعه ما مغفول واقع شده است.

واقعیت این است که نمایندگان مجلس، در کنار نمایندگی حوزه انتخابی خود، مسئولیت نمایندگی آحاد ملت را نیز عهده دار هستند. مطالبات محلی در عین حال که لازم است در حوزه انتخابی دنبال شود، ولی اصل را باید بر جایگاه ملی گذاشت. از این رو، نمایندگان با توجه به مسئولیتی که دارند، باید در تمام دوران نمایندگی شان در برابر مردم و جامعه پاسخگو باشند و پاسخگویی شان صرفاً به دوران انتخابات محدود نشود و بعد از پایان انتخابات، حوزه انتخابی و موکلان شان را فراموش نکنند.

۲

مکانیسم های گزینشی در کارآمدی مجلس بسیار اثر گذارند؛ به این معنا که اگر به واسطه جنس خاصی از مکانیسم های گزینشی، مانع ورود نیروهایی شویم که امکان اجرایی سازی تعهدات را دارند، مجلس و مطالبه گری از آن را با مشکل مواجه خواهیم کرد.

مادامی امکان مطالبه گری از نمایندگان مجلس محقق می شود که آنان در هنگام انتخابات به صورت فردی ثبت نام نکنند؛ بلکه احزاب لیست شان را ارائه کنند.

اما تا زمانی که نظام انتخاباتی ما به احزاب بی توجه است و نمایندگان به صورتی فردی ثبت نام می کنند، عملاً دست

مردم از نظارت جدی و مطالبه گری از مجلس کوتاه است؛ چرا که وقتی کاندیداها به صورت انفرادی برای نمایندگی مجلس شرکت می کنند و وعده هایی را در حوزه انتخابی شان ارائه می کنند؛ توده های مردم با توجه به فضای سنگین مشکلات اقتصادی، بیکاری و تورم و... در دوران انتخابات به نمایندگان رجوع می کنند با این امید که نمایندگان در آینده گرهی از کار آنان بگشایند و از این رو، عنصر «نمایندگی» به یک عنصر «واسطه گر» تقلیل داده می شود؛ و گاه از این هم فراتر رفته و به حق العمل کاری بدل می شود؛ به این معنا که در قبال کاری که نماینده انجام می دهد، درصدی هم سهم می برد!

۳

تا زمانی که ساز و کار انتخابات ماحزبی نشود، عملاً امکان مطالبه گری از مجلس برای مردم به صورت توده های پراکنده غیرقابل تصور است. مطالبه گری از مجلس و انتظار پاسخگویی از نمایندگان مجلس زمانی می تواند معنا دارتر باشد که نمایندگان از دل فرآیندها و انتخاب های حزبی بیرون آمده باشند. از این رو، معتقدم، مجلس اخیر، در طول حیات نظام قانونگذاری در ایران کم اثرترین بوده است.

در شرایط فعلی، عنصر «نمایندگی» در نظام قانونگذاری ما ابتروبه تعبیری ناکارآمد است و عنصر نمایندگی امکان اجرایی شدن را ندارد؛ چرا که دیده شده در صورت پیگیری جدی مطالبات مردم، این دست از نمایندگان جایگاه خود را در دوره های بعدی از دست خواهند داد یا ممکن است از سوی نهادهای بالادستی و نظارتی رد صلاحیت شوند. از این رو است که برخی از نمایندگان ترجیح می دهند، سکوت پیشه کنند تا مطالبه گر باشند. به همین دلیل، در طول چهار سال نمایندگی، از برخی از آنان هیچ صدایی شنیده نمی شود و آنچنان که باید پیرو مطالبات ملی مردم نیستند و به واقع، خواست مردم را نمایندگی نمی کنند.

۴

پارلمان در جامعه، نمایی از دموکراسی است. با توجه به این امر، باید پرسید چند درصد از نمایندگان ما عنصر «نمایندگی» را به درستی ایفا می کنند؟ من بر این باورم که مجلس های اول و دوم کارآمدتر بوده اند اما هر قدر که زمان گذشت، ما از مجلس اثرگذاری کمتر و پیگیری مطالبات مردم را کم رنگ تر دیدیم.

ما در چرخه ای قرار داریم که «مسئولیت پذیری» و «پاسخگویی» چندان نهادی نیست و این عدم پاسخگویی را در دیگر لایه های مدیریتی و اجرایی جامعه نیز می توان ردگیری کرد. به عنوان مثال وقتی از ریاست قوه مجریه در مورد چرایی محقق نشدن برخی از وعده هایش می پرسیم، پاسخ می شنویم که وعده ها در شرایطی طرح شد که وضعیت جامعه عادی بود و ما اکنون در وضعیت جنگ قرار داریم. اما واقعیت این است که ما در انتخابات سال ۹۶ هم از ایشان «صلح» خواسته بودیم!

به این اعتبار، بر این باورم در این فضا نمی توان از «نقش نظارتی مجلس» سخن گفت. من سال ها عضو دفتر مطالعات سیاسی مرکز پژوهش های مجلس بوده ام. از نزدیک شاهد بودم که هیچ یک از نهادهای ما پاسخگو نیستند. یک نماینده مجلس باید بتواند عملکرد نهادهای حاکمیتی و مدیریتی ما را مورد پرسش قرار دهد.



۵

پیش شرط نظارت «اطلاعات» است. بدون اطلاعات اساساً نظارت غیرممکن است؛ دسترسی آزاد به اطلاعات نه برای نمایندگان که برای همه آحاد جامعه باید میسر باشد که بر اساس آن اطلاعات بتوانند تجزیه و تحلیل کرده و نظارت کنند. به نظر می رسد که در عمل، پارلمان اختیارات، ابزار و اطلاعات ویژه ای در اختیار ندارد.

وقتی نمایندگان ما در یک چارچوب حزبی قرار ندارند، چگونه می توانند نهادهای رسمی را بررسی و نظارت کنند؟